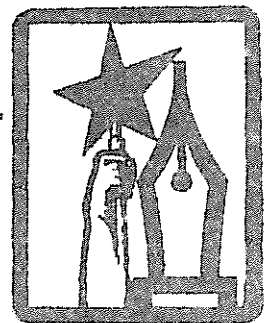


نشریه سازمان وحدت کمونیستی

انتصاب رئیس جمهور

به فرمان مطاع "فقیه ولی امر"

حتی اگر فتاوی آیات عظام در واجب بودن ریختن رای بنام مقلدا مام از یمن و یسار نمی - بارید، حکم تنفیذ آیت الله خمینی کافی بود که نشان بدهد داستان از چه قرار است: ایشان برای نخستین بار، در این فرمان، خود را "فقیه ولی امر" خواند و محمد علی رجایی را به ریاست جمهوری "منسوب" کرد. بنابر عرف و عادت در چنین مراسمی حاضران نقل و شیری میبندند و در شب تا جکداری وزاوردن و دست بوسیدن بساط بقیه در صفحه ۳



کابینه مکتبی با هنر قلاش برای نجات از ورشکستگی

دکتر با هنر با ۱۳۰ رای موافق، ۱۴ رای مخالف و ۲۴ رای ممتنع از مجموعه آراشی که کمتر از حد تصاب لازم برای رسمی بودن جلسات است، یعنی ۱۶۸ رای، بعنوان نخست وزیر انتصاب گردید. با هنر سومین نخست وزیر دولت جمهوری اسلامی و دومین "نخست وزیر مکتبی" از صدر اسلام با اینسو است که در ضمن او اولین آخوندی است که به مقام نخست وزیری در جهان دست یافته است. سوابق "درخشان" گذشته‌ی آقای با هنر، چه در دوران مدرسه‌ی رفاه که فعالیت آن بنا بر سه اعتراف رسمی جلال الدین فارسی در جوابیه‌ی خطاب به مهندس بازرگان، زیر نظر سپهبد نصیری رئیس وقت ساواک انجام میگرفت، و چه در دوران همکاری وی با فرخ روپارسا در وزارت آموزش و پرورش، و چه پس از آن در التزام رکاب سیدالشهدای جدید - دکتر بهشتی - آنچنان روشن است که پرداختن به آن بیابگر نکته جدیدی نخواهد بود. جز آنکه امروز حاکمیت در دست کسانی قبضه شده است که هر یک به نحوی از انحاء در مدرسه رفاه فعالیت داشته و در آن راه به "اسلام عزیز" خدمت میکرده‌اند!

بهر رو مجموعه‌ی فعل و انفعالات سیاسی کشور: هزل بنی صدر، انفجار بمب در مقر حزب جمهوری اسلامی، انتخاب رجایی و یکدست شدن قدرت حزب در دولت، چنان امکانانی را فراهم آورد که معلم سابق مدرسه رفاه و همکار دیرین فرخ روپارسا بسمت نخست وزیر انتخاب شود. نخست وزیری که چگونگی صف بندی نیروها در حاکمیت با و

بقیه در صفحه ۲

در صفحات دیگر:

- * دروغ از نوع اسلامی
- * فروش روزنامه با چاق تهدید
- * فرماندهی مشترک کمیته‌ها، سپاه و شهرستانی ...
- * اخبار
- * و ...

تکثیر از:

هواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا

کابینه...

قدرت بیشتری از سایر نخست وزیران دوران بعد از ۲۲ بهمن میدهد .
 با هشر طی مصالحه‌ای رهوس برتامه‌های آئینده خود را چنین عنوان میکند :
 " مسئله‌ی امنیت ، جنگ ، تورم ، اشتغال زمينه‌ی تهیه امکانات تولید ، راه‌اندازی صنایع ، مسئله تحفه‌ها ، مسائل مربوط به ستاد انقلاب رهسکی ، بکار کیسری نیروهای جوان و انقلابی ، تشبیت و تحکیم سواص سیاسی دولت بر اساس نه شرقی و نه غربی ، مبارزه با زندگی مصرفی و تحملی ، اقدام برای تعدیل ثروت ، تهیه یسک نظام اداری و استخدامی منبی بر نفسی بوروکراسی ، ایجاد نعدال و نزدیسک کردن سطح درآمد‌های کارمندان و طرح وسیع برای بارور کردن سطح آیدئولوژی و فرهنگ در کشور ، تقویت نیروهای نظامی و واحد-های رزمی و ایجاد جو تعهد انقلابی و مکتبی بیشتر در حوزه‌ی نیروهای نظامی و ... از جمله کارها و برنامه‌های دولت میباشد .

(جمهوری اسلامی - ۱۵ مرداد)
 با هشر در برنامه‌های خود مطلب جدیدی عرضه نمیکند . از فردای تشکیل دولت موقت تا به امروز ، هزار چند گاه از جانب جناحیست حاکمیت ، برنامه‌های بعنوان راه حل نهائی خروج از بحران ارائه گردیده است که کم و بیش واز زوایای مختلف همین خطوط کلی را دربر میکیرند برنامه‌هایی که بیش از آنکه مرآب آنها خشک شود ، به بایگانی نخست وزیر سپرده شده‌اند . این نکته حتی از نظر بهزاد نبوی نیز غافل مانده و میگوید : " کابینه با هشر همان کابینه رجائی خواهد بود منتها با شتابی بیشتر " اما اگر کابینه‌ی مکتبی با هشر وارث تمام برنامه‌های نیمه تمام و ورشکسته‌ی اسلاف خویش است ، از چند نظر در شرایطی کلی متفاوت با کابینه‌ی بازرگان و رجائی به قدرت رسیده است . از یکسو با هشر بجای آنکه همانند رجائی برادر رئیس جمهور باشد بعنوان دبیرکل کنونی و یکسوی از اعضای موسس و متنفذ حزب ، نقش پذیرحوانسده‌ی رئیس جمهور را دارد . آنتهم رئیس جمهوری کسه وظائف آنقدر محدود است که بجز قدرت تشریفاتی قدرت دیگری ندارد . با هشر بیش از آنکه فرزندی مجلس باشد ، حزبش رهبری مجلس را بعهده دارد و بعضی آنکه یک " مقلد ساده‌ی امام " باشد از کارگزاران مهم جمهوری اسلامی است . در حقیقت با هشر بعنوان شخص اول حزب جمهوری اسلامی ، با دست گرفتن سمت نخست وزیر ، دولت را یکپارچه در اختیار حزب فراگیر قرار میدهد . از سوی دیگر او زمانی به قدرت میرسد که دیگر مشکل بازرگان چاقوی بی تیغه نیست ، بلکه ساطوری است که با بیرون انداختن رقبای " لیبرال " از قدرت

حکومتی میتواند بلامنازع و بدون هیچ ماکتبی در سمت نخست وزیر بر کلیه ارکانهای حکومتی ، حکم فرمائی کند . در درون حزب نیز رتیب خطرناکی باقی نمانده است . آیت که در روز رای کیسری برای صلاحیت با هشر در مجلس به دیار عدم رهسپار گردید و طبق اخبار موشق اخیرا از حزب اخراج شده بود . فارسی عملا به دست فراموشی سپرده شده است و رفسنجانی و خامنه‌ای نیز با با هشر هم پیمان هستند ، حتی احتمال آن میرود که با نخست وزیر شدن با هشر ، و با بودن رفسنجانی در ریاست مجلس ، سمت دبیرکلی حزب را نیز خامنه‌ای عهده دار شود تا سر هیچکسی کلاه نماند ! در حقیقت دولت با هشر میرود که اولین دولت یکدسته ایران بعد از " انقلاب اسلامی " باشد
 اما علاوه بر تغییراتی که در چگونگی صف بندی حاکمیت بوجود آمده و به کابینه با هشر ویژه‌گی خاصی میبخشد ، تغییرات عدیده‌ای در سطح جامعه هم به کابینه با هشر اهمیت می دهد .
 با هشر در زمانی به این مقام میرسد که رژیم جمهوری اسلامی ، حقانیت خود را در نزد بسیاری از توده‌های زحمتکش از دست داده است . علاوه بر گسترش روز افزون فقر و کرسکی و بیکاری و گرانگی که گذران زندگی روزمره را برای زحمتکشان این جامعه بسیار مشکل کرده است و بی تک یکی از انعکاسات آن عدم اطمینان به برنامه‌های اعلام شده از جانب دولت با هشر خواهد بود ، شدت ترور و خفگان نیز جدی است که نوهم توده‌ها نسبت به روحانیت ، بنده روبه روال است . کابینه با هشر تمام اسعاد واقعی " اسلام راستین " را بمسردم نشان نخواهد داد ، ادامه‌ی فقر و کرسکی ، ادامه‌ی کربانی و تورم ، ادامه‌ی تحجر و ندانم کاری و بالاخره روشن تر شدن چهره‌ی حکومت ارتجاعی و استبدادی دین ، بموازات از بین رفتن حقانیت حکومت جمهوری اسلامی در نزد مسردم ، مبارزه سیاسی در جامعه را نیز به مرحله‌ی تازه انتقال داده است . واژه‌های سیاسی پیش از قیام دوباره جان گرفته‌اند . مبارزه مسلحانه ، خانه‌های تیمی ، تدارک قیام ، زندانی سیاسی ، سکنجه اعدام و گشتار و حتی سازشهای علنی و پنهانی آنا شکه بدینال یک راه حل سریع برای تساهل حزب جمهوری اسلامی و نه رژیم جمهوری اسلامی‌اند ، بار دیگر در فرهنگ سیاسی جامعه وارد شده‌اند .
 از جانب دیگر بی جهت نیست که با هشر در صدر برنامه‌ی خود ، " مسئله‌ی امنیت " را قرار میدهد و در فردای گرفتن رای اعتماد از مجلس حزبی بازارهای ایران بعنوان اعتراض به عدم قاطعیت دولت در مبارزه با " ضد انقلاب " بسنه میشود و مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم صریحا خواستار خانه بندی در سرتاسر ایران میکردند و آیات عظام با ارسال تلگرامها خواهان شدت عمل بیشتر نهاد‌های سرکوبگر علیه نیروهای انقلابی میکردند در حقیقت از این نظر نیز باید کابینه با هشر را کابینه‌ی سلاخان جمهوری اسلامی نام گذاشت .
 کابینه‌ی که شانس مهم رژیم در مصاف‌های آئینده بقیه در صفحه ۴

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دگر باید

انتخاب رئیس جمهور...

مکتبی شده باشد. اگر در بر همین پاشنه بگردد، در انتخابات بعدی (که برگزاری آن به دست حزب جمهوری اسلامی به احتمال نزدیک به یقین رویایی تحقق ناپذیر است) شاید "آقای باطله" از کاندیدای حزب پیشی بگیرد و نفر اول شود. در آن حالت، تنفیذ ریاست جمهوری "آقای باطله" از سوی امام امت - با امید ایشان فقیه عالیقدر - مفهوم واقعی رژیم ولایت فقیه را محسم خواهد کرد.

مواردی وجود دارند که تعزیه گردان های انتخابات ظاهرا از عهدهی رفع و رجوع بیرون نیامده اند. مثال اول تفاوت چشمگیر کل آرای ریخته شده در تهران برای ریاست جمهوری و نمایندگان میان دوره ای مجلس است. رقم اولی، ۲۱۰۵۴۸۸، نسبت به دومی، ۱۶۳۰۶۶۸ رای تفاوتی نزدیک به ۳۰ درصد (۴۷۴۸۲۰ رای) نشان می دهد. در حالی که مسلما تفنگچی ها، چماق داران و مقلدان خط امام برای هر دو منظور رای داده اند، حتی اگر بفرض محال تمام ۱۲۱۱۲۲ نفری که آرای سفید و باطله به صندوق ریخته اند برای مجلس رای ندادند...

باز بیش از ۳۵۰ هزار رای، فقط در تهران در این میان سرگردان می ماند که معلوم نیست با کدام دستی برای محمد علی رجائی به صندوق سرازیر شده است. این مسلما نمی تواند با این که در "انتخابات ریاست جمهوری ۱۵ ساله ها حقوق رای داشتند ولی در انتخابات مجلس نداشتند" توجیه شود، زیرا قبول اینکه ۱۵ ساله های تهران ۳۵۰ هزار نفر از جمعیت را تشکیل می دهند نمی تواند با واقعیت آمار سازگه باشد، چون در اینصورت تعداد جمعیت در سنین پائین ترسریه ارقام نجومی خواهد زد که بنوبهی خود نمی تواند با پذیرش آمار ۷ میلیون جمعیت تهران سازگار باشد.

باید به نمایندگان "ائتلاف بزرگ" حق داد که ادعای خیار غبن کنند. حالا که تولیدرای براساس اعداد و فلسفه های کهکشانی انجام می گیرد چرا این فیض نصیب تمام مکتبیون نشود؟

مثال دوم تعداد آرا در اصفهان است. در اصفهان فرضی با ۲۳۷۴۳۳ رای اول شده و مجموع آرا برای انتخابات مجلس رقمی در حدود ۲۹۰ هزار را نشان می دهد. در حالیکه مجموع آرای ریاست جمهوری ۴۹۴۳۲۶ است که رجائی ۴۰۰۱۲۳ عدد آنرا صاحب شده است! (کیهان ۴ مرداد) این دیگر بهمهدهی جادوگران وزارت کشور است که ثابت کنند تعداد ۱۵ ساله های اصفهانی ۲۰۰ هزار نفر است! پس از این چرتکه انداختن ها یا نیانداختن ها، خود اصحاب مکتب قبول دارند که حالا که همه چیز یکدست و هماهنگ شده، وقت رسیدگی به زندگی فلاکت بار مستضعفان است. پهلوان پنبه های حاکم شاید در چند ماه آینده قلبا متاسف نشوند که پرتاب شدن پیاپی کارچرخان نشان به درجهی رفیع شهادت، این بهانه را فراهم کند که ورود به مرحله عدل اسلامی را برای چند جمعی دیگر - و چند انتخابات دیگر - به شعوبق بیندازند.

کابینه...

بشمار میروند. کابینه های که قصد دارد سیاست شمشر حزب جمهوری اسلامی و "خیرات اسلامی" را تواما بکار برد. کابینه های که حل مسئله های "امنیت" و "تعدیل ثروت" را تواما در دستور کار خود قرار میدهد. و کابینه های که بقسول مفسر روزنامه کیهان دیگر هیچ دلیلی در دست ندارد که نتواند به وعده های "انقلاب اسلامی" جامه عمل به پوشاند.



برای بسیاری کابینه ی بختیار، نقش کابینه گذار را بازی میکرد. کابینه ی دولت موقت نیز از بسیاری جهات یک کابینه ی دوران گذار بود. تلاطم اجتماعی و صف بندیهای سیاسی هنوز به آن درجه از رشد نرسیده بود که بتوان کابینه ی بازرگان را یک کابینه ی دائم تلقی کرد. دولت رجائی نیز چه از نظر موقعیت اجتماعی که در آن به قدرت رسید و چه از نظر کسانی که بعد از مدتی کلنجار بعنوان وزیر در آن قرار گرفتند مبتدی تر و مبتذل تر از آن بود که بتوان آنرا نشانه ی ثبات رژیم دانست. کابینه ی باهنر نیز اکنون در زمانی به قدرت میرسد که هیچیک از بیارامت های سیاسی در سطح ایران و جهان شانس ماندن طولانی در قدرت را برای آن پیش بینی نمی کند. کابینه ی "یکدست و پرقدرت" (تا جایی که به ارگانهای حکومتی مربوط میشود) اما بدون پشتوانه ی وسیع توده های و در مقابل موج عظیم مخالفین سیاسی قرار نمیگیرد. و از همین رو بیش از یک کابینه ی دوران گذار نخواهد بود. برنامه ی دولت جدید بیش از آنکه نشان از حل معضلات واقعی جامعه داشته باشد، بیانگروا مت اوضاع است. "امنیت" نزد باهنر و باهنرها یعنی خفقان و ترور و نابودی نیروهای سیاسی انقلابی و مترقی و حل مسائل اقتصادی یعنی سازش بیش از پیش با امپریالیسم. و باهنر هر چه در این امور با "هنر" باشد قادر به فریب مردم نخواهد بود.

انتخاب باهنر و یکدست شدن دولت و اعلام "امنیت" در صدر برنامه های دولت چیزی جز اعلام صریح یک جنگ جدید علیه نیروهای انقلابی و مترقی نیست. اما شیپور این جنگ به بسا انتخاب باهنر، بلکه از همان روز ۲۲ بهمن ۵۷ سواخته شد. و این شیپور بیش از آنکه خبر از مغلوبه شدن جنگ دهد، خبر از نابودی جهل سیاه استبداد دینی خواهد داد. آرزوی دیر نیست.

رفقا و هموطنان مبارز!

از آنجا که بطلت شرایط ترور و خفقان شدید بخش گسترده ی "رهايي" میسر نیست، برای تشدید هر چه بیشتر افشاگری علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی نشریه را پس از مطالعه در اختیار دیگران بگذارید.